

## مقایسه‌ی آزمایشگاهی مقدار ریزنشت کروالی کلتوزول، آمالگام، گلاس آینومر و (Root MTA (Mineral Trioxide Aggregate) (ساخت ایران) به عنوان اریفیس پلاگ در دندان های اندو شده

لعیا صفی\* - فاطمه رضانعلی\*\*

\* استادیار گروه آموزشی اندودنتیکس، دانشکده ی دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شیراز

\*\* استادیار گروه آموزشی اندودنتیکس، دانشکده ی دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اهواز

### چکیده

**بیان مسأله:** چون فرض بر این است، که مواد پر کننده ی کانال در برابر نفوذ بزاق، مواد آلوده کننده و ریزجانداران (میکروارگانیسم‌ها) مقاومت ندارد، پیشنهاد می‌شود از موادی دیگر بر روی مواد پرکننده‌ی کانال در ناحیه‌ی مدخل کانال‌ها، به عنوان اریفیس پلاگ استفاده و سد کروالی محکم در برابر ریزنشت ایجاد شود تا محتویات کانال در برابر ریزنشت قرار نگیرد.

**هدف:** هدف از این بررسی، مقایسه ی میان مقاومت چند ماده ی مورد استفاده، به عنوان اریفیس پلاگ در مقدار ریزنشت کروالی بوده است.

**مواد و روش:** پس از انجام پاکسازی و شکل دهی کامل، پر کردگی کانال به طور معمول بر روی ۸۶ دندان کشیده شده ی تک ریشه ای و تک کانال انسان انجام شد. سه میلی متر از گوتا پرکای اریفیس کانال برداشته و به وسیله ی MTA، کلتوزول، آمالگام و گلاس آینومر جایگزین شد. پس از به کار بردن جوهر هندی و مراحل شفاف سازی، میانگین مقدار نفوذ خطی جوهر در همه‌ی نمونه‌ها محاسبه شد و داده‌ها به وسیله‌ی آزمون ANOVA و Post Hoc test ارزیابی شدند.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد، که بیشترین میزان ریزنشت به گروه آزمایشی گلاس آینومر و سپس، به ترتیب آمالگام، کلتوزول و کمترین میزان ریزنشت به گروه آزمایشی MTA مربوط بود.

**نتیجه گیری:** نتایج به دست آمده از این بررسی نشان داد، که هر چند گلاس آینومر قادر به کاهش ریزنشت نبوده، اما سه ماده ی دیگر به کار رفته (آمالگام، کلتوزول و MTA)، قادر به کاهش مقدار ریزنشت تاجی هستند، اما هیچ یک از مواد، نتوانستند به طور کامل از ریزنشت جلوگیری کنند. بنابراین، کاربرد بالینی اریفیس پلاگ برای کاهش ریزنشت تاجی، که یکی از مهم ترین دلایل عدم موفقیت است، پیشنهاد می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** ریزنشت کروالی، سیل کروالی، اریفیس پلاگ

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۴/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۴/۱۰

مجله دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز. سال ششم؛ شماره ۱ و ۲، ۱۳۸۴ صفحه ۵۵ تا ۶۲

\* نویسنده مسوول: لعیا صفی. شیراز - خیابان قصردشت - دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز - گروه آموزشی اندودنتیکس -

Email: safia@sums.ac.ir

تلفن: ۰۷۱۱-۶۲۶۳۱۹۳-۴

## مقدمه

ریزنشت ممکن است از کرونال به سمت پرکردگی ریشه و اپیکال کانال رخ دهد. این موضوع با بررسی های گوناگون به اثبات رسیده است (۱، ۲، ۳، ۴ و ۵). در درمان ریشه، بستن کامل حفره ی دسترسی و کرونال دندان برای جلوگیری از ورود بزاق و ریزجانداران به درون ساختار ریشه ی کانال از اهمیتی بالا برخوردار است. بررسی های بسیار نشان داده اند، که ریزنشت کرونالی، ممکن است از پیرامون ترمیم موقت رخ دهد (۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰). اگر ترمیم کرونالی به نقص دچار شود و یا از دندان برداشته شود، می تواند باعث آلودگی در بافت های پری اپیکال شده، که نتیجه ی آن، شکست درمان ریشه خواهد بود (۱۱).

برای کاهش مقدار ریزنشت در طول و پیرامون ترمیم موقت، روش های متعدد پیشنهاد شده است. یکی از کاراترین روش ها که کاربرد بالینی آن هم راحت است شامل Intra Orifice Plug به معنای قرار دادن موادی در درون آریفیس کانال پس از برداشتن چند میلی متر از گوتاپرکا و سیلر کانال پر شده می باشد. از روشهای دیگر پیشنهادی، بستن کف پالپ چمبر با مواد ترمیمی است (۸ و ۱۲).

هر یک از این روش ها، که قادر باشد ورود بزاق و ریزجانداران را به درون ساختار کانال ریشه به تأخیر انداخته یا جلوگیری کند، دارای سودمندی های زیاد بوده و می تواند موفقیت درمان را بالا برد. از ویژگی های موادی، که برای پلاگ آریفیس استفاده می شود، می توان از: بستن در برابر نفوذ باکتری ها، سازگاری با مواد ترمیمی ریشه و تاج، قرار دادن آسان و قابل برداشتن برای درمان دوباره نام برد (۱۳).

بررسی های گوناگون بر روی مواد ترمیمی، به عنوان پلاگ آریفیس انجام شده است. این مواد، شامل Super EBA، IRM، Cavit، Amalgam، گلاس آینومر، MTA و Dentin Bonding ها هستند.

جونز (Jones) و روغنی زاده (Roghanized) در سال ۱۹۹۶، در بررسی خود نشان دادند، که زمانی آمالگام به عنوان پلاگ آریفیس استفاده شود، تنها ۳/۶ درصد از دندان ها ریزنشت کامل داشتند (۱۲).

چیلروانتکویی (Chailertvanitkui) و همکاران نیز، در سال ۱۹۹۶، بررسی خود را با استفاده از نشان دارهای میکروبی انجام داده و نشان دادند، دندان هایی، که دارای Vitrebond liner در کف پالپ چمبر و دهانه ی آریفیس کانال ها بودند، ریزنشت کرونالی میکروبی نداشتند (۱۴).

همچنین پیسانو (Pisano) و همکاران در سال ۱۹۹۷، نیز، در بررسی خود نشان دادند، که استفاده از Super EBA، IRM، Cavit، به عنوان پلاگ آریفیس باعث کاهش ریزنشت باکتریایی نسبت به دندان های بی آریفیس پلاگ می گردد (۱۳).

دونا (Donna) و همکاران در سال ۱۹۹۸، نشان دادند، که در ۱۵ درصد از مواردی، که دارای آریفیس پلاگ Cavit بودند و ۳۵ درصد از مواردی، که با آریفیس پلاگ Super EBA، IRM بسته شده بودند، ریزنشت وجود داشت (۱۵).

جیمز (James) و همکاران (۱۹۹۹)، در نتایج بررسی خود نشان دادند، که استفاده از Vitrebond در درون آریفیس، انسداد بهتری نسبت به دندان های بدون بستن کرونال ایجاد می کند (۱۶).

زایا (Zaia) و همکاران نیز، در سال ۲۰۰۲، در بررسی خود نشان دادند، که Coltozol و IRM سیل بهتری نسبت به گلاس آینومر و Dentin adhesive، به عنوان پلاگ آریفیس ایجاد می کند (۱۷).

ترنس ماه (Terence Mah) و همکاران در سال ۲۰۰۳، بررسی خود را بر میزان سیل کنندگی آریفیس پلاگ با MTA در محیط طبیعی انجام دادند و نشان دادند، که در ۱۷ درصد از دندان هایی، که دارای آریفیس پلاگ MTA بودند و ۳۹ درصد از دندان هایی، که بدون آریفیس پلاگ بودند، التهابی متوسط وجود داشت (۱۸). با توجه به معرفی شدن Root MTA در ایران، نیاز به بررسی و مقایسه ی این ماده با مواد دیگر به کار رفته، ضروری به نظر می رسد.

## مواد و روش

در انجام این بررسی تجربی از شمار ۸۶ دندان کشیده شده ی تک ریشه ای و تک کانال انسان

مواد به کار رفته برای آریفیس پلاگ عبارت بودند از:

۱- آمالگام، که آلیاژی مرکب از جیوه با چند فلز دیگر (مانند نقره، قلع، مس و گاهی روی، پالادیوم، ایندیوم و سلینیوم) است. از ویژگی مهم آمالگام دندان، تغییرات ابعادی به هنگام سخت شدن (setting)، استحکام فشاری بالا، خزش حتی پس از سخت شدن کامل و مقاومت به خوردگی یا کروژن است.

۲- کلتوزول (Coltozol)، ماده‌ی ترمیمی موقت از پیش آمیخته شده است، که برای سخت شدن به رطوبت نیاز داشته و زود سخت می‌گردد. دارای زمینه‌ی اکسید روی (zinc oxide) و ترکیبات سولفات کلسیم است. از برتری‌های این ماده، آسانی کاربرد و توانایی سیل کردن بالای آن است.

۳- سیمان گلاس آینومر، دارای ویژگی‌های مطلوب، چون اتصال فیزیکی شیمیایی به بافت‌های آبدوست مینا و عاج، آزاد سازی بلند مدت فلوراید، کاهش ریزش و سازگاری بافتی است. ترکیب تقریبی گلاس آینومر، کلسیم فلورو آلومینیوم سیلیکات بوده، که شامل کوارتز، آلومینا، فلوریت و کریولیت، فلوراید آلومینیوم و فسفات آلومینیوم است.

۴- MTA، پودری دارای ذرات ریز آبدوست تری کلسیم سیلیکات، تری کلسیم آلومینات، تری کلسیم اکساید و اکسید سیلیکات و نیز، مقداری ناچیز اکسیدهای کانی دیگر است، که پس از ترکیب با آب، ژل کلونیدی به PH بازی تبدیل شده، که پس از آماده شدن به ساختار سخت تبدیل می‌گردد. ماده‌ی با سازگار بافتی بالا و ویژگی ضد میکروبی همراه با کاربردهای بالینی بی‌شمار می‌باشد.

گروه ۱: حفره‌ی آماده شده را خشک کرده، با آمالگام کپسولی (Cin alloy/ highcopper/ non gama 2) به وسیله‌ی کندانسور کاملاً فشرده کرده و سطح آن با برنیش گرد صاف گردید.

گروه ۲: کلتوزول (آریادنت) را به وسیله‌ی پلاستیک اینسترومنت در حفره‌ی آماده شده و خشک شده جا داده و با پنبه‌ی مرطوب، سطح آن صاف گردید.

استفاده شد. از علل کشیده شدن دندان، سن و جنس افراد آگاهی در دست نیست. دندان‌ها به دنبال کشیده شدن به مدت دو روز در محلول سدیم هیپوکلریت ۰/۵ درصد و سپس، در محلول سرم فیزیولوژیک نگهداری شدند. دندان‌های مورد بررسی، سالم و بدون ناهنجاری و ترک بر روی ریشه بودند.

برای همانند سازی نمونه‌ها، تاج دندان‌ها از CEJ و به وسیله‌ی دیسک زغالی قطع گردید. بررسی پرتونگاری و میکروسکوپی برای ارزیابی تک کانال بودن و نبود ترک انجام شد. پس از قطع تاج، در صورت نیاز، حفره‌ی دسترسی با روش استاندارد و با استفاده از فرز الماسی توربین (فیشور ۰۰۸) و افشاندن آب و هوا فراهم گردید. پس از بیرون آوردن بافت پالپی، طول کانال (WL)، با استفاده از فایل کر (Kerr) شماره‌ی ۱۰ یا ۱۵، بسته به قطر کانال، اندازه‌گیری شد. سپس، همه‌ی نمونه‌ها تا ناحیه‌ی اپکس تا فایل شماره‌ی ۳۰ پاک و آماده‌سازی شد و از فایل شماره‌ی ۱۰، به عنوان Patency file استفاده شد. مرحله‌ی آماده‌سازی بدنه‌ی کانال با استفاده از روش Step back به انجام رسید. بخش‌های کرونال کانال با گیتس گلیدن (GG) شماره‌ی ۲، ۳ و ۴ گشاد و مرحله‌ی Funneling انجام گردید و برای شست و شوی هنگام آماده‌سازی، از محلول سدیم هیپوکلریت ۲/۶ درصد استفاده گردید و کانال‌ها پس از خشک شدن به وسیله‌ی کن کاغذی (Paper point) به روش تراکم کناری با گوتاپرکا (آریادنت) و سیلر Roth 801 (سینا طب) پر شدند. در پایان، برای ارزیابی پرکردگی کانال، عسکرداری انجام گردید.

سپس، با استفاده از فرز Tapered fissure 171 (قطر سر ۱/۲ میلی‌متر و زاویه‌ی تقارب شش درجه)، بر روی بخش برنده‌ی آن به بلندی سه میلی‌متر به وسیله‌ی فرزی به طور ثانویه شیار ایجاد گردید، و به عمق سه میلی‌متر گوتاپرکای دهانه‌ی آریفیس کانال بیرون آورده شد. برای اطمینان، از پروب پریو در اندازه‌گیری مقدار گوتای بیرون آورده شده، استفاده گردید. دندان‌ها به طور تصادفی به چهار گروه ۱۹ تایی بخش شدند.

خوانده شدند و میانگین ارقام گزارش شده، به وسیله ی آزمون های آماری ANOVA و Post Hoc Test و ارزیابی شدند.

#### یافته ها

نفوذ خطی جوهر در همه ی گروه های آزمایشی وجود داشت. در هر نمونه، حداکثر نفوذ خطی جوهر بر پایه ی میلی متر و به وسیله ی سه نفر مشاهده و گزارش گردید. در گروه شاهد منفی، هیچ گونه نفوذ جوهر به درون کانال مشاهده نشد، که نشان دهنده ی قابل اعتماد بودن روش آزمایشگاهی از بستن کامل کانال به وسیله ی لاک ناخن است و در گروه شاهد مثبت، در سر تا سر کانال نفوذ جوهر به شکل آشکار قابل دیدن بود، که نشان دهنده ی توان نفوذ جوهر در صورت وجود مسیری باز در کانال است.

برای مقایسه ی نتایج، میانگین نفوذ خطی جوهر هندی به میلی متر در هر نمونه به دست آمد. دامنه ی میانگین مقادیر ریزنشت در گروه آمالگام، ۰/۸۳-۳/۵۸ با میانگین ۱/۹۶ و انحراف معیار، ۰/۸۳ بود. دامنه ی میانگین مقادیر ریزنشت در گروه کلتوزول، ۰/۵۸-۰/۱۷ با میانگین ۰/۷۱ و انحراف معیار ۰/۶۰ بود. درباره ی گروه گلاس آینومر دامنه ی میانگین مقادیر ریزنشت در گروه گلاس آینومر، ۰/۱۷-۲/۱۷ با میانگین ۳/۲۶ و انحراف معیار ۰/۵۷ و در گروه MTA، دامنه ی میانگین مقادیر ریزنشت در گروه MTA صفر تا ۲ با میانگین ۰/۲۹ و انحراف معیار ۰/۲۷ بود (نمودار ۱). برای مقایسه ی میانگین مقادیر ریزنشت در گروه های مورد بررسی، از آزمون آماری ANOVA بهره گرفته شد، که نتایج گویای وجود اختلاف معنادار ( $p < 0.001$ ) در میان گروه های مورد بررسی است. همچنین، برای مشخص شدن اختلاف در میان گروه ها، جداگانه از آزمون آماری Post Hoc Test (LSD) استفاده گردید، که نشان دهنده ی وجود اختلاف معنادار هر یک از گروه ها نسبت به سه گروه دیگر آزمایش بود (جدول ۱).

گروه ۳: گلاس اینومر (Chemfil/Dentsply/Self cure) را بر پایه ی دستور کارخانه مخلوط کرده و به وسیله ی پلاستیک اینسترومنت در حفره آماده شده، که با پنبه خشک شده بود، قرار داده و آن را کندانسور فشرده کرده و سطح آن صاف گردید.

گروه ۴: Root MTA (Mineral Trioxide ) aggregate (Iran) را بر پایه ی دستور کارخانه مخلوط کرده و به وسیله ی پلاستیک اینسترومنت درون حفره ی آماده شده قرار داده و آن را با کندانسور کاملاً فشرده و سپس سطح آن با پنبه ی مرطوب صاف شد.

گروه ۵: دارای پنج دندان، به عنوان شاهد مثبت و گروه شش، دارای پنج دندان، به عنوان شاهد منفی بود. در گروه شاهد مثبت، تنها یک کوتای بدون سیلر در کانال قرار داده و در گروه شاهد منفی، پس از پر کردگی دهانه ی اریفیس به وسیله ی موم چسبنده، دو لایه لاک ناخن بر روی همه ی سطوح دندان زده شد. همه ی گروه ها بر پایه ی دستور کارخانه ی سازنده ی مواد، که به عنوان اریفیس پلاگ استفاده شد، به مدت و شرایط لازم نگهداری شد. سپس، همه ی سطوح دندان های موجود در گروه شاهد مثبت و سطوح جانبی گروه های آزمایشی به وسیله ی ۲ لایه لاک ناخن به گونه ای پوشانده شدند، که تنها ورودی کانال در آنها بدون هرگونه پوششی باشد. به عنوان ماده ی رنگی، از جوهر هندی (جوهر خوشنویسان) استفاده گردید. دندان ها در جوهر هندی و با استفاده از اعمال لرزش (برای از میان بردن هوای درونی) به مدت ۲۰ دقیقه شناور شده و به دنبال آن، در محیط اتاق و به مدت ۷۲ ساعت نگه داری شدند. پس از بیرون آوردن دندان ها از جوهر و شست و شوی آنها با آب (به مدت ۲۰ دقیقه)، لاک ناخن به وسیله ی استن پاک شده و برای مشاهده ی نمای سه بعدی از حداکثر نفوذ خطی جوهر (بر پایه ی میلی متر)، دندان ها به روش Tagger شفاف گردیدند<sup>(۱۹)</sup>. پس از مرحله ی شفاف سازی، حداکثر نفوذ خطی جوهر (بر پایه ی میلی متر) به وسیله ی سه نفر در زیر استریومیکروسکوپ با بزرگنمایی X<sub>10</sub>، به طور جداگانه

۵۹/۴ درصد به دلیل شکست ترمیم تاجی و پروتز و ۳۲ درصد، به علت مشکلات پرپودنتال است<sup>(۲۲)</sup>.

از آنجا که، روش قرار دادن اریفیس پلاگ بسیار ساده و آسان است و معمولاً، به دیدار دوم درمان نیاز نداشته و قرار دادن مواد درون کانال، با ضخامت و گیر ترمیم نهایی تاجی تداخل ندارد و نیز، بیرون آوردن این مواد به هنگام درمان دوباره امکان پذیر است، بررسی هایی بر پایه ی مقایسه ی مواد گوناگون به این منظور انجام شده و هدف از این بررسی نیز، مقایسه ی چهار ماده، به عنوان سدکرونی در برابر ریزش تاجی است. برای ارزیابی مقدار ریزش می توان از روش های گوناگون بهره جست، که شایع ترین روش، شفاف سازی (Clearing) است. در بررسی کنونی، از این روش استفاده شد، زیرا اجازه می دهد، که به صورت سه بعدی، گسترش و تطابق مواد پر کننده ی ریشه و میزان نفوذ ماده ی رنگی را مشاهده و ارزیابی کرد<sup>(۱۹،۶)</sup>. چون جوهر هندی در مراحل آزمایشگاهی ثابت است، به عنوان ماده ی رنگی استفاده شد.

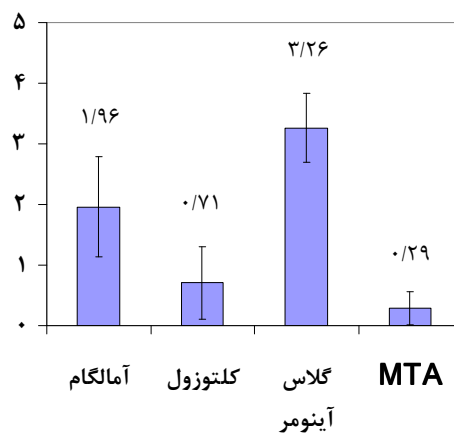
بر پایه ی بررسی چونگ (Chong)، نفوذ و رشد باکتری ها و نفوذ جوهر هندی همانند بوده و هر دو را می توان برای ارزیابی توان سیل کنندگی مواد به کار برد<sup>(۲۳)</sup>. برای نفوذ بهتر و بیرون آوردن هوای درون کانال از ویبراسیون (Vibration) استفاده شد. پیش از شروع به کار، بررسی آغازین برای مشخص شدن زمان سخت شدن مواد انجام و سپس، از نتایج کار در بررسی بهره گرفته شد.

نتایج این پژوهش و بررسی های آماری نشان داد، که اختلاف میان گروه های آمالگام و کلتوزول، آمالگام و گلاس آینومر، آمالگام و MTA، کلتوزول و گلاس آینومر، گلاس آینومر و MTA کاملاً معنادار ( $p < 0/001$ ) و اختلاف میان MTA و کلتوزول نیز معنادار ( $p < 0/05$ ) گزارش گردید. به بیان دیگر، میزان ریزش تاجی در گلاس آینومر بیشتر از دیگر گروه های آزمایشی و در MTA کمتر از دیگران بوده است.

در این بررسی برای پر کردن کانال ها از گوتاپرکا و سیلر Roth 801 استفاده شد، که تداخلی با مواد مورد استفاده به عنوان اریفیس پلاگ نداشت.

**جدول ۱:** بررسی ارتباط میان متغیرها و گروه های آزمایش با یکدیگر (علامت + نشان دهنده ی اختلاف معنادار متغیرها نسبت به یکدیگر است)

آمالگام	گلاس آینومر	کلتوزول	MTA
+	+	+	+
+	+	+	+
+	+	+	+
+	+	+	+



**نمودار ۱:** مقدار ریزش تاجی در گروه های آزمایش (مقدار ریزش در گروه گلاس آینومر حداکثر و به دنبال آن گروه آمالگام، کلتوزول و MTA)

## بحث

کیفیت ترمیم تاجی از اهمیتی بالا برای سلامت بافت پری اپیکال برخوردار است. اگر انسداد کافی در کانال ایجاد شود، به ترمیم تاجی و مسدود شدن حاصل از آن کمک خواهد شد و عدم موفقیت در بلند مدت کاهش خواهد یافت. بررسی های گوناگون اهمیت ریزش تاجی را بیان کرده اند<sup>(۲۰ و ۴،۲)</sup>.

تروپ (Trope) و ری (Ray) نیز، بیان کردند، که برای سلامت اپیکال پرپودنتال، کیفیت ترمیم تاجی بسیار مهم تر از کیفیت درمان ریشه است<sup>(۲۱)</sup>.

ویره (Vire)، بیان کرد، که ۸/۶ درصد از شکست ها به علت مشکلات مربوط به درمان ریشه و

کردند و علت آن را انبساط خطی بالای کاویت دانستند.

ترنس ماه (Trence Mah) و همکاران<sup>(۱۸)</sup> نیز، میزان سیل کنندگی MTA را مطلوب گزارش کردند، که همانند بررسی کنونی است. استفاده از MTA با فرمول جدید White MTA نیز، به نظر می رسد، که به دلیل داشتن برتری هایی مانند، کاربرد آسان، قابلیت فشرده کردن، تغییر رنگ ندادن، برای پلاگ اریفیس مناسب باشد. در بررسی های گذشته، به ضرورت بکارگیری پلاگ اریفیس توجه شده و بیان کرده اند، در مواردی، که دارای پلاگ اریفیس و سد کرونالی بودند، ریزنشست کمتر از مواردی بود، که بدون اریفیس پلاگ بوده اند، که در راستای نتایج بررسی کنونی است.

#### نتیجه گیری

نتایج نشان داد که بجز گروه آزمایشی با اریفیس پلاگ گلاس آینومر، سه ماده ی به کار رفته (آمالگام، کلتوزول و MTA) برای کاهش ریزنشست تاجی مؤثر است، اما هیچ یک به طور کامل از ریزنشست جلوگیری نمی کنند. هرچند MTA بهترین و گلاس آینومر ضعیف ترین ماده در جلوگیری از ریزنشست نشان داده شد. بنابراین، پیشنهاد می گردد، برای کاهش میزان ریزنشست تاجی از پلاگ اریفیس استفاده گردد، هر چند، که بررسی های کاملتر و فراگیرتر درباره ی اثر این سد بر موفقیت بلند مدت ضروری به نظر می رسد.

#### سپاسگزاری

انجام این پژوهش با تأیید و حمایت مالی حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شیراز میسر گردیده است که بدین وسیله تشکر و قدردانی می گردد.

از گلاس آینومر (Chemfil/ Dentsply) گونه Self cure، که به دلیل ویژگی ضد میکروبی، آزاد سازی فلوراید، جلوگیری از پیشرفت پوسیدگی، آسانی کاربرد و زمان کارکرد کوتاه بودن زمان سخت شدن، در این بررسی استفاده گردید، که توان سیل کنندگی کمی از خود نشان داد، که این همانند بررسی بکهام (Beckham) (۱۹۹۳)، زی (Zaia) بود<sup>(۱۷ و ۷)</sup>. در بررسی ویلکوکس (Wilcox) و دیاز-آرنولد (Diaz-Arnold)<sup>(۲۴ و ۲۵)</sup> نشان داده شد، که از میان بردن لایه ی اسمیر و اچ کردن دنتین، هیچ یک اثری در افزایش توان سیل کنندگی گلاس آینومر نداشت. همه ی این بررسی ها، علت ریزنشست بالا در گلاس آینومر را، انقباض این ماده به هنگام سخت شدن بیان کرده و علت دیگر را حساسیت کاربردی بالای گلاس آینومر می دانند. همچنین، گلاس آینومر به علت نداشتن رنگدانه، هنگام درمان دوباره، احتمال تخریب ساختار دندان و یا سوراخ شدن را افزایش می دهد.

در بررسی کنونی، میزان سیل کنندگی کلتوزول بهتر از آمالگام بود، اما در بررسی روغنی زاد (۱۹۹۶)، تنها ۳/۶ درصد از دندان هایی، که اریفیس پلاگ آمالگام داشتند، دارای ریزنشست کامل بودند، در حالی که، ۲۵ درصد از مواردی، که از کلتوزول استفاده گردیده، ریزنشست کامل مشاهده شد<sup>(۱۲)</sup>، که شاید بتوان علت این تفاوت را در گونه بررسی و استفاده از دو لایه ی وارنیش در زیر آمالگام در بررسی آنان و Split دندان ها برای مشاهده ی میزان نفوذ متیلن بلو دانست.

در بررسی کنونی، کلتوزول سیل کنندگی بهتر نسبت به گلاس آینومر نشان داد، که همانند بررسی زایی (Zaia)<sup>(۱۷)</sup> بود، که می توان نتیجه گرفت، که مواد چسبنده با چسبندگی پایین، به تنهایی نمی توانند سیل مؤثر و محکم را ایجاد کنند. دونا (Donna) و همکاران (۱۹۹۸)<sup>(۱۵)</sup> نیز، میزان سیل کنندگی کاویت را بیشتر از مواد دیگر (IRM, Super EBA) گزارش

\*\*\*\*\*

#### References

1. Saunders WP, Saunders EM. The root filling and restoration continuum prevention of long term endodontic failures. Alpha Omega 1997; 90: 40-46.

2. Madison S, Swanson K, Chiles AS. An evaluation of coronal microleakage in endodontically treated teeth. Part II. Sealer type. *J Endod* 1987; 13: 109-112.
3. Swanson K, Madison S. An evaluation of coronal microleakage in endodontically treated teeth. Part I. Time periods. *J Endod* 1987; 13: 56-59.
4. Khayat A, Lee S, Torabinejad M. Human saliva penetration of coronally unsealed obturated root canals. *J Endod* 1993; 19: 458-461.
5. Magura ME, Kafrawy AH, Brown CE, Newton CW. Human saliva coronal microleakage in obturated root canals: An invitro study. *J Endod* 1991; 17: 324-331.
6. Saunders WP, Saunders EM. Assessment of leakage in the restored pulp chamber of endodontically treated multi rooted teeth. *Int Endod J* 1990; 23: 28-33.
7. Beckham BM, Anderson RW, Morris CF. An evaluation of three materials as barriers to coronal microleakage in endodontically treated teeth. *J Endod* 1993; 19: 388-391.
8. Carman JE, Wallace JA. An invitro comparison of microleakage of restorative materials in the pulp chambers of human molar teeth. *J Endod* 1994; 20: 571-575.
9. Beach CW, Calhoun JC, Brawwell JD, Hutler JW, Miller GA. Clinical evaluation of bacterial leakage of endodontic temporary filling materials. *J Endod* 1996; 22: 459-462.
10. Uranga A, Blum JY, Parahy E, Prado C. A comparative study of four coronal obturation materials in endodontic treatment. *J Endod* 1999; 25: 178-80.
11. Malone KH, Donnelly JC. An invitro evaluation of coronal microleakage in obturated root canals without coronal restorations. *J Endod* 1997; 23: 35-38.
12. Roghanizad N, Jones JJ. Evaluation of coronal microleakage after endodontic treatment. *J Endod* 1996; 22: 471-473.
13. Pisano DM, Difiore P, Mc Clanahan S, Duncan J. Intra orifice sealing of obturated root canals to prevent coronal microleakage. *J Endod* 1997; 23: 257 [abstract].
14. Chailertvanitkvi P, Saunders WP, McCkenzi D. An evaluation of microbial coronal leakage in the restored pulp chamber of root canal treated multicoated teeth. *Int Endo J* 1996; 30: 318-323.
15. Donna M, Pisano D, Peter M, Scott B, McClanahan S. Intra orifice sealing of gutta percha obturated root canals to prevent coronal microleakage. *J Endod* 1998; 10: 659-661.
16. James F, Wocott L, Lamer H, Himel V. Evaluation of pigmented intra orifice barriers in endodontically treated teeth. *J Endod* 1999; 25: 589-592.
17. Zaia A, Nackagawa R, Quadros DC, Gomes A. An evaluation of four materials as barriers to coronal microleakage in root filling teeth. *Int Endod J* 2002; 35: 729-734.
18. Terence M, Basrani B, Satos M. Periapical inflammation affecting coronally inoculated dog teeth with root filling augmented by white MTA orifice plugs. *J Endod* 2003; 24: 442-446.
19. Tagger M, Tamas A, Tagger E. An improved method of three dimensional study of apical leakage. *Quint Int* 1983; 10: 981-986.
20. Torabinejad M, Ung B, Kettering JD. In vitro bacterial penetration of coronally unsealed endodontically treated teeth. *J Endod* 1990; 16: 566-569.
21. Ray HA, Trope M. Periapical status of endodontically treated teeth in relation to the technical quality of root filling and the coronal restoration. *Int Endod J* 1995; 28: 12-18.
22. Vire DE. Failure of endodontically treated teeth, classification and evaluation. *J Endod* 1991; 17: 338-342.
23. Chong BS, Pittford TR, Watson TF, Wilson RF. Sealing ability of potential retrograd root fillings. *Endod and Dent Traumatol* 1995; 11: 264-269.

24. Wilcox LR, Diaz-Arnold AM. Coronal microleakage of permanent lingual access restorations in endodontically treated anterior teeth. J Endod 1989; 15: 584-587.
25. Diaz-Arnold AM, Wilcox LR. Restoration of endodontically treated anterior teeth: an evaluation of coronal microleakage of glassionomer and composite resin materials. J Prosthet Dent 1990; 64: 643-646.

\*\*\*\*\*

## Abstract

### **An In Vitro Evaluation of Coltozole, Amalgam, Glassionomer and MTA (Mineral Trioxide Aggregate) as Barriers to Coronal Microleakage in Endodontically Treated Teeth**

**Safi L.\*- Ramezanali F.\*\***

\* Assistant Professor, Department of Endodontics, School of Dentistry, Shiraz University of Medical Sciences

\*\* Assistant Professor, Department of Endodontics, School of Dentistry, Ahwaz University of Medical Sciences

**Statement of Problem:** Because commonly used obturating materials can not provide hermetic seal against saliva and microorganisms in the root canal system, thus it has been suggested that the use of intraorifice sealing of Gutta percha obturated root canals to prevent coronal micorleakage.

**Purpose:** The purpose of this study was to evaluate coronal micorleakage of four materials used as an intraorifice plug.

**Materials and Methods:** After cleaning, shaping and conventional obturation of 86 extracted human single root canal and, a 3 millimeters of the gutta percha was removed from the coronal aspect of the root canal and replaced with one of the four filling materials: MTA, Glass Ionomer (GI), Coltozole and Amalgam. Microleakage was evaluated by using of staining penetration methods with Indian ink and after clearing of the specimens, the linear dye penetration was measured. The mean of linear dye penetration for each group was compared by the ANOVA and Post Hoc test.

**Results:** The results showed that GI group had significantly the most leakage and the other experimental groups of Amalgam and Coltozole significantly sealed better. On the other hand, the MTA group had significantly the least leakage.

**Conclusion:** The result of this study showed that although the three experimental materials (Amalgam, Coltozol and MTA) except GI were able to decrease the coronal microleakage, but none of them were able to prevent microlaeakge completely. So, use of orifice plug to reduce coronal microlaeakage which is one of the important causes of failure in endodontic, seems to be useful.

**Key words:** Coronal Leakage, Coronal Seal, Intraorifice Plug

*Shiraz Univ. Dent. J. 2005; 6(1,2): 55-62*